



اساس سوسیالیسم انسان است
چه در ظرفیت جمعی و چه فردی.
سوسیالیسم جنبش بازگرداندن
اختیار به انسان است.
منصور حکمت

ضمیمه

۲۱۰

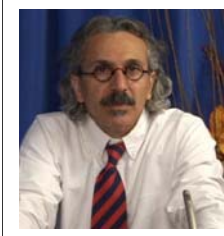
برای

یک دنیای بهتر

نشریه حزب اتحاد کمونیسم کارگری

Weekly publication of Worker - communism Unity Party

سردبیر: سیاوش دانشور e.mail: siavash_d@yahoo.com چهارشنبه ها منتشر میشود ۶ جولای ۲۰۱۱ - ۱۵ تیر ۱۳۹۰



اصلاح طلبان؛ کرنش به خامنه ای و انشقاق بیشتر

صفحه ۲ علی جوادی



دادگاه حریری؛ کیفر خواست یا گریز از بحران

صفحه ۳ پدram نواندیش



کنگره سه، منصور حکمت و مجید پستچی و درد انسان!

صفحه ۴ علی طاهری

اسلام شهر

خانه گردی به دنبال بشقابهای ماهواره!

صفحه ۵ نازنین اکبری

کارگران صنایع نفت و گاز دریا ساحل

اخراج گسترده، دستمزدهای معوق!

کارگران شرکت

بهدارو درمان

3 ماه دستمزد معوق، کاهش دستمزدها!

شرکت سازانه بتن

خوزستان

دستمزدهای معوق و اخراج، سرکوب
کارگران!

کارگران سرو مشرق زمین

دستمزدهای خرداد ماه معوق!

کارگران توسعه و معادن

باز هم 2 ماه دستمزد معوق!



یادداشت سردبیر،

سیاوش دانشور

دمکراسی پلیسی

پرونده "شوند گیت" در انگلستان جنجالی بیا کرده است. ظاهراً ۴ سال است که مکالمات خصوصی مردم را بدون اجازه و اطلاع آنها گوش میدهند. کسی نمیداند که اطلاعات بدست آمده برای چه کاری و چه معاملاتی استفاده شده است. در سوئد سالهای طولانی است این اقدام انجام میشود و در دو سه سال گذشته آنرا علنی کرده اند که مکالمات شهروندان کنترل میشود.

دمکراسی هرچه بارش کنید بالاخره سیستم سیاسی ای است که حکومت نامشروع اقلیتی بورژوا را طی پروسه فرمال انتخاباتی مشروعیت میدهد. دمکراسی در دو دهه اخیر بجز با بمباران و موشک کروز و راسیسم و به پارلمان آوردن فاشیستهای دمکرات و سلب حقوق مدنی معنی نداشته است. پرونده "شوند گیت" گوشه کوچکی از واقعیات دمکراسی در دنیای امروز است. در انگلستان حزب لیبر در مقام شاکي و اپوزیسیون اسکاتلند حزب لیبرال ظاهر میشود و در سوئد حزب سوسیال دمکرات بانی این جاسوسی از شهروندان و حزب محافظه کار ادامه دهنده آنست. وقتی منفعت بورژوازی در میان باشد، و بویژه اگر تروریسم اسلامی که هر روز با بودجه حضرات پروار میشود بهانه بدست دهد، آنوقت باید انتظار بیشتر از اینها را داشت.

این دمکراسی واقعی و عینی و موجود است که در اسپانیا و فرانسه و یونان تا کمی شهر شلوغ میشود، به شاگرد دیکتاتورهای مشهور تبدیل میشود و از هر اقدامی برای سرکوب و دفاع از منافع بورژوازی کم نمی آورد. شنود مکالمات مردم جزو کوچکی از سرکوب سیستماتیک و بیحقوقی مردم در دمکراسی پلیسی است. *



سابق و مامور امنیتی حاضر، با آغوش گرم این جریان‌ات روبرو میشود.

۵- و تا زمانیکه این مضحکه در حاکمیت و جامعه جاری است دول غربی نیز یک بازیگر این صحنه خواهند بود و بلندگوهایشان را در مقابل سخنگویان این صف ورشکسته قرار خواهد گرفت. و اگر این جریان‌ات کماکان مطرح اند، نه بخاطر مطلوبیت و معقول بودن پروژه شان بلکه ناشی از ورشکستگی سیاسی و عدم قابلیت آلت‌رناتیو شاخص طبقه حاکم برای پیشروی است.

۶- اما همانطور که رویدادهای شمال آفریقا و خاورمیانه نشان داد، با اوجگیری جنبش سرنگونی و به جلوی صحنه رانده شدن صف آزادیخواهی و برابری طلبی و کمونیسم کارگری تمام این پروژه ها به سرعت برق و باد حاشیه ای خواهد شد. جمهوری اسلامی با تمام جناحهایش بر پله آخر قرار دارد. سرنگونی و نابودی پله بعدی شان است. راه فراری از این سرنوشت در مقابل خود ندارند. *

اصلاح طلبان؛

کرنش به خامنه ای و انشقاق بیشتر

علی جوادی

ملی - اسلامی علیرغم غرولندها، علیرغم اظهار ندامت ها، همچنان زیر چتر این جریان گرد خواهند آمد. چرا که کل جنبش ملی - اسلامی نهادی است که ستونهای رژیم اسلامی تاریخا بر شانه های آنها شکل گرفته است. و اگر جناح اصلاح طلب حکومتی بدون وجود جناح راست موضوعیتی ندارد، جنبش ملی اسلامی نیز بدون وجود رژیم اسلامی موضوعیت سیاسی خود را از دست خواهد داد. تجزیه خواهد شد و از جلوی صحنه سیاست به کناری زده خواهد شد.

۴- در این دوران ما شاهد فرار هر چه بیشتری از کشتی اصلاح طلبی حکومتی هستیم و خواهیم بود. بخشهایی برای سر خم کردن و ارائه تسلیم نامه خود به خامنه ای و باند حاکم از یکدیگر سبقت خواهند گرفت و گروهی دیگر عطای جنبش اصلاح طلبی را به لقای آن خواهند بخشید و این کشتی در حال سقوط را ترک خواهند کرد. رسول منتجب نیا و مجتبی واحدی نمونه هایی از این دو گرایش اند. در این میان واکنش جریان‌ات اپوزیسیون راست و محافظه کار پرو غربی هم دیدنی است. هر جانوری که این صف بازندگان را ترک میکند، با استقبال این جریان‌ات و با فرش قرمز پهن شده مواجه میشود. از سردار سپاهی

شئونات زندگی مردم نه تنها انتقادی نداشته بلکه همواره برای بقاء و حفظ این بنیادها جنگیده است، خون ریخته و در کنار سایر برادران خود طناب دار بر گردن انسانهای آزادیخواه و کمونیست و مخالفین انداخته است. صورت مساله دعوی جناحها و باندهای جمهوری اسلامی چگونگی حفظ و بقای حکومت اسلامی در شرایطی است که مردم حکم به سرنگونی و نابودی آن داده اند. نسلی در مقابل آن بپاخواسته و برای در هم شکستن شیشه عمرش دست به تلاشی همه جانبه زده است. حفظ رژیم اسلامی جوهر تلاشهای اصلاح طلبان است.

۲- یک پایه پروژه اصلاح طلبی وجود جریان راست در رژیم اسلامی است. بدون وجود وحوش جریان راست که باید از قرار مورد "اصلاح" این جریان قرار گیرند، کل پروژه اصلاح طلبی مختل شده و معنای وجودی خود را از دست خواهد داد. و همانطور که تاریخ این جریان نشان داده است حتی زمانیکه قوای مجریه و مقتنه را در دست داشتند، از گام برداشتن برای پایان بردن پروژه شان خودداری کردند. چرا که پایان این پروژه در عین حال پایان پروژه اصلاح طلبی است. از این رو کل این جریان علیرغم ضرباتی که تاکنون متحمل شده اند، تا زمانیکه رژیم اسلامی موجود است به بقای حقیر خود ادامه خواهند داد.

۳- مادام که جریان اصلاح طلبی در جامعه موجودیت دارد، بخشهای اصلی جنبش

"چرا من دیگر یک اصلاح طلب نیستم؟"

اخیرا مجتبی واحدی سردبیر سابق روزنامه آفتاب یزد در یک ویدیو بلاگ اعلام کرده است که دیگر یک اصلاح طلب نیست. گفته است که با وجود ولایت فقیه و نظارت استصوابی و قانون اساسی، اصلاحات در این نظام ممکن نیست. مبارک است! این اعلام موضع ضربه دیگری بر پیکر تکه پاره اصلاح طلبان وارد کرده است. متعاقبا جدال درون صف ملی - اسلامیون بخت برگشته بالا گرفت و صف بندیها قطبی تر شد. ماجرا بار دیگر از کرنش خاتمی در مقابل خامنه ای آغاز شد و صف شکست خورده اصلاح طلبان را رو در روی هم قرار داد. این سردار "گفتگوی تمدنها" اعلام کرد که "رهنمودهای مقام معظم رهبری حلال مشکلات و کلید برون رفت از بحران کنونی است!!" اعلام کرد که حاضر است برای "گرم کردن تنور انتخابات" قدم رنجه کند. این سیاست جیونانه خاتمی حتی برای برخی از سرداران صف حقارت و زبونی نیز گران آمد. به شکافی منجر شد که بخشی اصلاح طلبان و توده ای - اکثریتی ها از آن تحت عنوان "جدال زرد و سبز" یاد کردند. در این زمینه به چند نکته باید اشاره کرد:

۱- از پیش روشن بود که جریان اصلاح طلبی حکومتی در مقابل خامنه ای زانو خواهد زد. کل پروژه اصلاح طلبی بر مبنای حفظ نظام اسلامی و ساختارهای آن استوار است. این جریان هیچگاه به نفس وجود سیستم ولایت فقیه، قانون اساسی اسلامی، حاکمیت کثیف مذهب بر

کارگر زندانی، زندانی سیاسی آزاد باید گردد!





است. در مقابل دو قطب تروریستی، قطب سومی شکل گرفته است. قطبی که از جنس آنان نیست. قطبی که به جنایت کاری آنان نه می گوید. دولت های جنایت کار آنها را به زیر می کشاند. در میدان التحریر گرد آمده و در تونس نان را پرچم خود می سازد. آنان را مجبور می کند تا شتاب آلود در مراکش بازی اصلاحات را، به اجرا گذارند. این به میدان آمدن رو به گسترش توده های فقیر و گرسنه در این کشورها است که دولتها را از پوسته دموکراسی پوشالی شان بیرون کشیده و چهره کریه جنایت کارشان را عریان تر میکند. دولت لیبی خالق لاکربی که تا دیروز تحت حمایت آمریکا و غرب بود، مردم را به گلوله می بندد آنچنان که ناتو نیز همزمان، همان جنایت را انجام می دهد.

این قطب سوم است که راه حل قطعی مسئله فلسطین را دارد. به راه حل های تروریستی اسلام سیاسی و دولتهای تروریست غربی نه می گوید. آنان را مجبور می کند که به درد و رنج دیرینه مردم فلسطین خاتمه دهند. اما حل مسئله فلسطین و با دیکته مردم به پا خاسته منطقه، یعنی عقب راندن اسلام سیاسی. یعنی نه گفتن به تمام راه حلهای تاکتونی که در آن صد ها هزار نفر انسان قربانی آن شده اند. یعنی حذف پایگاه اسلام سیاسی. رژیم اسلامی ایران و دولت های غربی معنی پیام های مردم آزادی خواه و برابری طلب را دریافته اند و هر دو قطب تروریستی این خطر را حس می کنند که ادامه التحریر و گسترش آن به دیگر کشورها، نمیتواند عواقب خوشایندی برای آنها داشته باشد.

صفحه ۴

دادگاه حریری؛ کیفر خواست یا گریز از بحران

پدرام نواندیش

دادگاه ترور رفیق حریری تشکیل داده اند و به خون خواهی آن حاضرند جنگ ارتجاعی دیگری را به مردم لبنان و منطقه تحمیل کنند و انسانهای زیادی را قربانی کنند. اما هیچ گاه و هیچ محکمه ای را برای جنایاتی که هر روز در حال انجام آن هستند تشکیل نداده و نخواهند داد. برآستی چه تعداد انسان در هیروشیما و ناکازاکی کشته شده اند؟ چند نفر در ویتنام از میان رفتند؟ آمار کسانی که در دو جنگ جهانی، قتل عام شدند چه میزان است؟ چرا برای جنایاتی که حکومت اسرائیل تاکنون انجام داده و میدهد، هیچ دادگاهی تشکیل نشده است؟ سران حکومت اسلامی قریب به سی و سه سال است که جنایت و آدم کشی می کنند، لیست اعدام ها در صفحات روزنامه های رژیم جنایت کار اسلامی در دهه 60 هنوز موجود است و شاید بتوانند خاوران و لعنت آباد و تف آباد ها را با خاک یکسان کنند اما هنوز آن اسامی و صفحات در آرشیوهای این کسانی که امروز خون خواهی رفیق حریری را بر عهده گرفته اند موجود هست. این جنایت کاران آنقدر ابعاد جنایت هایشان وسیع است که سرانشان، با تائید تعداد زیاد آن اعدامها، آنها را به یکدیگر نسبت می دهند.

اما مسئله این دولت ها، نه پرداختن به جنایت هایی است که حکومت های جنایت کار اسلامی در ایران و تروریسم دولتی اسرائیل و آمریکا و دول غربی هر روز به انجام آن مبادرت می ورزند، چرا که همه این دولت ها اعم از اسلامی، مسیحی و یهودی و هندو مدافع نظام سرمایه داری اند و اصل مالکیت خصوصی و سود، عامل بقاء آنها است و برای حفظ آن حاضرند جهانی را به خاک و خون بکشند و بارها و بارها کشیده اند. این بار هم مسئله بر سر بقاء دولتهای آنها

شود و کودکان زیادی قربانی وحشیگری دو قطب ترور و خشونت اسلام سیاسی و دولت های غربی شوند. طرح کیفر خواست دادگاه ترور رفیق حریری، نخست وزیر پیشین لبنان که در سال 2005 در یک انفجار تروریستی کشته شد، آن نقطه گریزی است که این دو قطب ترور، برای خلاصی از بن بست که بر اثر به میدان آمدن توده های وسیع مردم آزادی خواه و برابری طلب شمال آفریقا و خاورمیانه در آن گرفتار شده اند، می باشد.

شکی نیست که عامل ترور رفیق حریری و هزاران لبنانی، فلسطینی، اسرائیلی و مردم منطقه، تروریسم اسلام سیاسی و دولتهای غربی و اسرائیل هستند. اما و درست در شرایطی که جنبش آزادی خواهی و برابری طلبی مردم هر روز اوج گرفته و منجر به سقوط دولتهای تحت حمایت آنان در کشورهای تونس، مصر، یمن گردیده است و می رود که دولت بشار اسد در سوریه و معمر قذافی در لیبی نیز سقوط کنند، این رویارویی و شاخه و شانه کشیدن های دو قطب ترور در مقابل هم می تواند نقطه امید برای ممانعت از گسترش و سرایت جنبش آزادی خواهی و برابری طلبی مردم به دیگر کشورهایی باشد که در روز روشن و در محافظت پلیس آنها، گردن زنان را می زنند، دست قطع می کنند، گرسنگی و فقر و فلاکت سهم میلیون ها نفر کارگر و زن و کودک در آنجاها است.

رسانه ها نوشتند هیئت دادگاه بین المللی حریری، روز پنجشنبه وارد کاخ دادگستری لبنان شدند و کیفرخواست این دادگاه، شامل اتهام و بازداشت چهار تن از نزدیکان حسن نصرالله به نام های حسن عیسی، مصطفی بدرالدین، اسد صبرا، و سلیم عیاش را به دادگستری لبنان تحویل دادند. مقامات حزب الله اعلام کرده اند افراد یاد شده را به هیچ وجه تحویل مقامات دادگستری نخواهند داد و تهدید کرده اند که اگر برخی ها بخواهند با استفاده از کیفرخواست حمله سیاسی یا مذهبی بر ضد حزب الله را شروع کنند، این افراد را خیلی زود شناسایی خواهند کرد و از آنها هیچ ترسی ندارند.

در اقدامی هماهنگ، تلویزیون العربیه وابسته به دولت عربستان، سخنان حسن نصرالله سرکرده حزب الله لبنان را به طور زنده پخش کرد. سرکرده حزب الله در سخنان خود، ضمن آمریکایی - اسرائیلی خواندن کیفرخواست، اعلام کرد که به هیچ وجه افراد اعلام شده از سوی دادگاه را تحویل نخواهد. بار دیگر رجز خوانی های دو قطب تروریستی "اسلام سیاسی و دولت های غربی و اسرائیل" در مقابل هم آغاز شده است. از یک سو دولتهای غربی و اسرائیل به طرح کیفرخواست دادگاه ترور رفیق حریری، پرداخته اند و از دیگر سو، قطب تروریستی اسلام سیاسی به خط و نشان کشیدن دست زده است که چنان خواهد کرد و آنچنان خواهد شد. بار دیگر قرار است با دست مایه قرار دادن و خونخواهی رفیق حریری، لبنان و منطقه را در آتش و خون غرق سازند. قرار است هزاران انسان دیگر کشته شوند. خانه های زیادی ویران

دادگاه حریری؛

کیفر خواست یا گریز از بحران...

چه اینک که همین اعتراضات کارگران و مردم اروپا در کشورهای اسپانیا، یونان و انگلیس و فرانسه، زنگ خطر را برای آنها به صدا در آورده است. رژیم بیش از صد هزار اعدام اسلامی در ایران، بی شک در سقوط بن علی، مبارک و ایضا بشار اسد، آینده محتوم خود را دیده و می بیند.

کیفر خواست دادگاه رفیق حریری در واقع ارسال سیگنالی از سوی قطب تروریستی دولتهای غربی و اسرائیل به تروریسم اسلامی است تا با بر افروختن آتش جنگی دیگر به بهانه پس دادن و یا ندادن چهار تروریست اسلامی از سوی حزب الله، موجبات به خانه فرستادن مردم به پاخاسته را فراهم ساخته و خود دوباره میدان دار ترور و جنایت به بهانه ترور شوند. رژیم اسلام سیاسی بی شک در صدد آن بر می آید که موضعی را که طی قیام های مردمی از دست داده است، بازسازی کند. تعریف نیروی تروریستی حزب الله لبنان و حسن نصرالله برای رژیم اسلامی و دولت های غربی یعنی ایجاد شرایط برون رفت از بحران. سقوط رژیم اسلامی در ایران، اسلام سیاسی را برای همیشه به زباله دانی خواهد افکند. و حذف حزب الله لبنان یعنی حذف یکی از پایگاههای حکومت اسلامی در منطقه. اکنون بیش از هر زمان دیگری این دو نیروی تروریستی به این تحرک نیاز پیدا کرده اند و چه بهانه ای بهتر از دادگاه ترور رفیق حریری؟

دولتهای غربی، چنان در بحران اقتصادی و سیاسی گرفتار آمده اند که در پرداختن به جنگ افروزی دیگری در منطقه، راه گریزی جستجو می کنند. شاید با ورود به این صحنه و شو دادگاه رفیق حریری، مانع التحریر در کشورهای بحران زده خود شوند. اما جنبش ضد کاپیتالیستی در منطقه چنان در حال گسترش است که دولت های غربی با چنین رویکردی به دادگاه حریری، تنها موقعیتی بحرانی خود را عمیق تر میکنند

ما کمونیست های کارگری، قاطعانه اعلام می کنیم که تروریسم اسلام سیاسی و تروریسم دولتی، هر دو، دو روی یک سکه ضد انسانی هستند. مبارزه بر علیه تروریسم یعنی مبارزه بر علیه اسلام سیاسی و دولتهای کاپیتالیستی. ترک التحریر و به خانه رفتن مردم آزادی خواه و برابری طلب، یعنی جان گرفتن دوباره این جنایت کاران. یعنی گسترش ترور و آدم کشی این آدم کشان. یعنی تداوم فقر، و گرسنگی و تبعیض و نابرابری سرمایه داران و دولتهای آنان. برای مبارزه با حکومت ترور و جنایت اسلامی و برای به زیر کشیدن آن و برپایی یک جامعه آزاد و برابر و مرفه، بایستی متشکل شد. به حزب اتحاد کمونیسم کارگری را بایستی پیوست.*

گزارشی از تهران،

اسلام شهر

خانه گردی به دنبال بشقابهای ماهواره!

نازنین اکبری

در طی چند روز گذشته در اسلام شهر و شهرکهای اطراف از جانب ارادل و اوباش نیروی انتظامی حکومت اسلامی تهاجم گسترده ای به زندگی خصوصی مردم شروع شده است. مزدوران و ماموران حکومتی بطور جمعی و مسلح با زور و فشار و تهدید به خانه های مردم وارد شده و با تهدید مردم به دادگاه و جریمه و زندان، اقدام به شکستن و جمع آوری آنتن های ماهواره میکنند. در بسیاری از مناطق اسلام شهر مردم از باز نمودن درب منازل به روی اوباش حکومت اسلامی خودداری نموده و پس از ترک محل توسط ماموران بلافاصله دیشهای ماهواره را در پشت بام ها مستقر کرده اند!

در ساعات پیش از ظهر روز سه شنبه ماموران حکومتی به قصد جمع آوری آنتن های ماهواره به شهرک گلستان در حوالی اسلام شهر یورش برده اند و در مواردی جوانان و زنان محل با مقاومت و اعتراض با ماموران سرکوبگر حکومتی درگیر شده اند!

در این روزها شهرکهای سلطان آباد و صالح آباد و ... اسلام شهر نیز مورد تجسس و خانه گردی ماموران حکومت جانینان اسلامی بوده اند.

جمهوری اسلامی بعد از شکست در سیاست قرنطینه فرهنگی بار دیگر سیاست بستن گوش و چشم مردم را در دستور قرار داده است. تلاشهای جنون وار حکومت اسلامی تنها منعکس کننده وحشت عمیق شان از سرنگونی است. اما در دنیای امروز نمیتوان دور یک جامعه سیم خادار کشید. این سیاستها شکست خورده اند و تکرارشان به شکست فاحش تری منجر میشود.

۹ تیر ۱۳۹۰

زنده باد جنبش مجامع عمومی!

زنده باد شوراهای کارگری!

کارگران! در اعتراضات جاری به مجمع عمومی متکی شوید! مجمع عمومی تجمع طبیعی و ظرف اعمال اراده مستقیم و مستمر توده کارگران است!

نه به تروریسم اسلامی، نه به تروریسم دولتی!

زنده باد آزادی، برابری و رفاه همگان!



نظام سرمایه داری به حقوق بشر و برنامه عملی کمونیستهای کارگری برای انسان ها است!

پرورین کابلی خاطره ای از منصور حکمت در سالهای شصت تعریف می کند که گویا منصور حکمت برای پیشمرگهای جوان کومله سخنرانی می کرد و از آنها انتقاد می کرد که آیا مثلا در فلان روستا حمامی درست کردید؟ دیواری را تعمیر کردید؟ منظور منصور حکمت تاثیر نیروی کمونیست بر زندگی مردم است. من شخصا فکر می کنم اگر منصور حکمت امروز زنده بود یقه تک آدمی را که نمی گرفت مجید پستنجی بود!

زنده باید منصور حکمت!

زنده باد انسانیت کمونیستهای کارگری!

واقعی یک کمونیست کارگری عملگرا و اجتماعی است. می خواهم یک مشاهده از نزدیک بگویم که چطور امروز کمونیسم کارگری منصور حکمت عملی شده است!

روز قبل چند ساعتی با رفیق مجید جلسه نشسته داشتیم در خلال این جلسه آدمهای مختلف را می دیدم که آمدند و رفتند. زن حامله ای با یک کوله بار از مشکلات به سراغ مجید آمده بود. و مجید وقفه ناپذیر کمکش می کرد. بعد نوبت به یک زندانی تازه آزاد شده از زندان پناهندگی رسید که دچار مشکلات شدید روحی و عارضه قلبی شده بود و مجید راه حل پیش پایش می گذاشت. بعد نوبت به دو نفر از رفقای پناهنده زندانی رسید که مجید مفصلا در رابطه با آزادی آن چند ماهیست فعالیت می کند. بعد نوبت به رسیدگی کیس پناهندگی دو پناهنده غیر قانونی رسید. در همین بین تلفن مجید مدام زنگ می خورد: یکی زنی بود که مشکل خانوادگیش را مطرح می کرد و و تمام این مسائل در یک ساعت و نیم اتفاق افتاد. و روزهای قبل هم فشار کاری بیشتری از مجید دیدم.

این بسیار شکوه انگیز است که هر انسان درد مندی در دل این اروپای به ظاهر متمدن برای حل مشکلات زندگی اش چاره ای عملی جز رجوع به کمونیستهای کارگری نمی بیند و همین برای حقانیت گفته ما مبنی بر پوچ بودن و بی ربط بودن

کنگره سه، منصور حکمت و مجید پستنجی و درد انسان!

علی طاهری

مردم برگرداند.

همانطور که همه ما عمیقا به این جمله معتقدیم که دفاع از منصور حکمت فقط صحبت کردن از تاریخچه و دستاوردها و تئوری و پراتیک او نیست بلکه به عمل در آوردن و اجرا کردن نقشه عمل او برای انسانهای دوره زمانه خودش است.

و کمونیسم کارگری تئوری گوشه پس گوشه پستوخانه های تئوری و کتابخانه و انجمنها نیست. کمونیسم منصور حکمت برعکس پرچم دار دخالت در زندگی انسان آنها در همان زمان و جایی که محیط فعالیت ماست.

البته قصد من هرگز تمجید و تعریف از آدم مشخصی نیست بلکه مسئله من مشخص کردن و نشان دادن الگوهای عملی

اینروزها مصادف با از دست دادن منصور حکمت رفیق نازنین ماست. جدا از علایق شخصی ما کمونیستهای کارگری به منصور حکمت یک پایه مورد توافق همه کمونیستهای کارگری دفاع از دستاوردهای تاریخی و انقلابی منصور حکمت برای طبقه کارگر و بشریت معاصر است. بعد از مرگ نادر کمونیستهای کارگری به درست از دستاوردها و در افزوده های منصور حکمت به مارکسیسم و کمونیسم کارگری ها سخن راندند. برای بسیاری از بیرون صفوف ما این سوال پیش آمد این دستاوردها چه بود؟

اولین پاسخ من به این سوال جمله های ابتدایی منصور حکمت در کنگره سه حزب کمونیست کارگری است. منصور حکمت خطاب به چپ و کمونیستها و حضار سالن می گفت صندلی ها را باید به طرف زندگی مردم چرخاند. چپ باید در یک مقطع تاریخی از سر و کول هم بالا رفتن صندلی را به طرف زندگی

تمام فلاسفه تاکنون جهان را تفسیر کرده اند،

حال آنکه مسئله بر سر تغییر آنست!

کارل مارکس

جهان بدون فراخوان سوسیالیسم، بدون امید سوسیالیسم، بدون "خطر" سوسیالیسم، به چه منجلابی تبدیل میشود!

منصور حکمت

کارگران شرکت سرو مشرق زمین

دستمزدهای خرداد ماه معوق!

بنا به خبر دریافتی، هم اکنون با گذشت از ۸ روز از پایان ماه بیش از ۳۰ نفر از کارگران شرکت خدماتی پیمانکاری سرو مشرق زمین دستمزدها و مبالغ اضافه کاری مربوط به خرداد ماه را دریافت ننموده اند. "سیار" مدیر شرکت به کارگران گفته است، فعلا پولی برای دستمزدهایتان نیست یا صبر کنید یا بفرمایید راه باز است، کارگر بیکار و ارزان تر از شما زیاد است.

اخیرا بنا بر نیاز کاری توسط سیار تعدادی کارگر جدید با دستمزدهای کمتر و ساعت کاری طولانی تری استخدام شده اند و سیار هر گاه که با اعتراض کارگران قدیمی تر روبرو میشود با تهدید به اخراج میگوید بفرمایید راه باز است.

شرکت پیمانکاری سرو مشرق زمین با بیش از ۳۰ نفر کارگر که نه قراردادی و نه روزمزد هستند!! فقط به کارگران گفته اند ماهی ۳۰۰ هزار تومان به شما می پردازیم! که البته از پرداخت همین دستمزد هم بیشرمانه طفره میروند، با ساعت کاری شبانه روزی در ایام تعطیل و غیر تعطیل طرف قرارداد شهرداری منطقه ۵ تهران و ارایه دهنده خدمات مربوط به پارکها و فضای سبز میباشد. این کارگران زحمتکش از شهروندان افغانستانی بوده که عمدتا بعلت اقامت غیر قانونی در ایران و محرومیتها و مشکلات ناشی از اقامت غیر قانونی، در شرایط معیشتی و کاری بسیار سختی بسر میبرند و محل زندگی جمعی آنها اتاقکهایی است که در مجاورت دستشویی پارکها در اختیار آنها گذاشته اند. چندی پیش که کارگران دستمزدهایشان را تازه دریافت نموده بودند شب هنگام در پارک محل زندگیشان تعدادی از مزدوران اوباش مسلح نیروی انتظامی حکومت اسلامی به بهانه مبارزه با قاچاق و فحشا به کارگران زحمتکش حمله ور شده و پس از پاشیدن گاز فلفل به صورت کارگران و ضرب و شتم آنان بیش از ۸ میلیون تومان از دستمزدهای کارگران را که ثمره و اندوخته ماهها کار و زحمت کارگران بود به سرقت برده و متواری میشوند.

لازم با یاد آوریت شهروندان افغانستانی در ایران بنا به سیاستهای وحشیانه و ضد انسانی و ضد پناهنده حکومت اسلامی از حق افتتاح و داشتن حساب بانکی و ثبت نام فرزندانیشان در مدارس محرومند.

حزب اتحاد کمونیسم کارگری

۱۰ تیر ۱۳۹۰ - ۱ جولای ۲۰۱۱

نه به اعدام!

"آیا لازم نیست در مورد وسایل تغییر آن نظامی که تمامی این جنایات را تولید میکند، عمیقاً اندیشید؛ تا اینکه آهنگ ستایش در باره جلاذ سردهیم؛ همان جلادی که با اعدام یکدسته از جنایتکاران؛ جا را برای افراد بعدی باز میکند؟"

کارل مارکس

کارگران صنایع نفت و گاز دریا ساحل

اخراج گسترده، دستمزدهای معوق!

در اطلاعیه قبلی در مورخ 2/2/90 اعلام داشتیم کارفرما از تمدید قراردادهای جدید با کارگران طفره میروود و 10 نفر از کارگران را از کار اخراج نموده اند و خطر اخراج و بیکاری دیگر کارگران شاغل را نیز تهدید میکند. در طی چند روز گذشته بنا به دستور عوامل کارفرما 40 نفر دیگر از کارگران از کار اخراج شده اند. سابقه کاری کارگران اخراجی از یکسال تا پانزده سال میباشد و کارفرما تا امروز از پرداخت دستمزدهای خرداد ماه کارگران اخراجی خودداری نموده است. کارفرما در جواب کارگران معترض اخراجی گفته است: بودجه نداریم و اخراج شما برای کاهش هزینه ها و صرفه جویی بیشتر است و... علیرغم پیگیریهای چند روز گذشته بعلت کارشکنی کارفرما کارگران اخراجی حتی موفق به دریافت دستمزد و مبالغ اضافه کار خرداد ماه هم نشده اند.

یکی از کارگران اخراجی میگفت نمیدانیم دنبال کار بگردیم، دنبال شکایت به دنبال اداره کار و مراکز فساد حکومت اسلامی سرمایه داران دوندگی کنیم و یا هر روز کفش آهنی به پا کنیم و با مراجعه به شرکت پیگیر دستمزدهای عقب افتاده مان باشیم. از طرف دیگر گرانی و تورم هم با اجرای حذف یارانه ها بیداد میکند. قیمت اجاره خانه و مایحتاج اولیه زندگی بطور روزانه و سرسام آور در حال افزایش است. این حکومت و سرمایه دارها تا به ما کارگران میرسند صرفه جویی و کاهش هزینه ها یادشان می افتد!! پس این همه هزینه های میلیاردی خودشان را از کجا می آورند؟ چرا برای بسیج و سپاه، چرا برای نمایندگان بیکاره مجلس و روسای ریز و درشت حکومت صرفه جویی و کاهش هزینه ها در کار نیست؟ واقعیت این است که دستمزدها و ثمره کار ما کارگران را بالا می کشند و از آن طرف میلیارد میلیارد به حسابهای بانکیشان میریزند و پولهای کلان بی حساب و کتاب را خرج سانسور و سرکوب و آدمکشی میکنند.

کارفرما پروژه های شرکت های ساحل قرارگاه خاتم الانبیا سپاه پاسداران است. فرماندهان جنایتکار سپاه در همدستی با مدیران شرکت با تحمیل استثمار وحشیانه به کارگران ثروتهای نجومی و سرگیجه آوری به جیب میزنند. شرکت دریا ساحل با بیش از 1000 نفر کارگر قراردادی با قراردادهای سفید امضا و یکطرفه و دستمزدهای 330 هزار تومانی در مناطق عملیوه، خارک و گچساران مجری پروژه های لوله کشی نفت و گاز میباشد. ساعت کاری کارگران از 6 صبح تا 6 عصر بعلاوه اضافه کاری اجباری در ایام تعطیل میباشد. دفتر مرکزی شرکت در خیابان تخت طاوس تهران واقع است.

حزب اتحاد کمونیسم کارگری

۹ تیر ۱۳۹۰ - ۳۰ ژوئن ۲۰۱۱

شرکت سازانه بتن خوزستان

دستمزدهای معوق و اخراج، سرکوب کارگران!

بنا به خبر دریافتی، بیش از 100 نفر از کارگران شرکت ساختمانی سازانه بتن خوزستان بیش از 3 ماه است دستمزدی دریافت نکرده اند. ذوالفقار مدیر شرکت به بهانه اینکه شرکت نفت خوزستان از پرداخت 500 میلیون تومان مطالبات شرکت خودداری میکند با وعده های دروغ و تهدید از پرداخت دستمزدهای کارگران طفره میبرد. در طی یک ماه گذشته تا به امروز چندین بار کارگران با تعطیلی کار و برپایی اعتصاب و تجمعات اعتراضی خواهان دریافت فوری دستمزدهایشان شده اند اما اعتراض برحق کارگران با یورش نیروی انتظامی روبرو شده است. نیروی انتظامی که سگ پاسبان منافع سرمایه داران است، اعتصاب و تجمعات کارگران را با توسل به خشونت و ضرب و شتم وحشیانه و دستگیری و بازداشت کارگران سرکوب نموده است.

همزمان با تهاجم اوباش نیروی انتظامی به کارگران زحمتکش، ذوالفقار مدیر شرکت نیز بیش از 80 نفر از کارگران معترض را بی آنکه حتی دستمزدهای معوقشان را بپردازد از کار اخراج کرد. شکایات و مراجعات مکرر کارگران به اداره کار و دیگر مراکز حکومت اسلامی برای بازگشت به کار و دریافت 3 ماه دستمزد معوق به دلیل کارشکنی و همراهی عوامل حکومت اسلامی با ذوالفقار و سرمایه داران تا امروز به نتیجه ای نرسیده است.

به دلیل نپرداختن دستمزدها و سرکوب و اخراج کارگران شرکت سازانه بتن هم اکنون پروژه نیمه کاره و در حال احداث درمانگاه شرکت نفت در منطقه دارخوین خوزستان به حالت نیمه تعطیل درآمده و در حال حاضر حدود 15 نفر کارگر با 3 ماه دستمزدهای معوق و دریافت نشده در این پروژه مشغول به کارند که البته خطر اخراج و بیکاری هر لحظه این کارگران فعلا شاغل را نیز تهدید میکند.

بله، نپرداختن دستمزدهای ناچیز و سیاست گرسنگی دادن آگاهانه کارگران و خانوادههایشان، اخراج و سرکوب و شکنجه و زندان، سیاست و روال کاری همیشگی جمهوری اسلامی است. این اولین و آخرین جنایت حکومت اسلامی سرمایه داران علیه کارگران نیست و نخواهد بود. این حکومت دزد و وحشی و قاتل در پرونده سیاه و سراسر جنایت خود به خاک و خون کشیدن اعتراض کارگران را از پارس خودروها تا خاتون آبادها محفوظ دارد.

کارگران شرکت بهدارو درمان

3 ماه دستمزد معوق، کاهش دستمزدها!

بنا به خبر دریافتی، بحران مالی، کسر بودجه، دزدی و نپرداختن دستمزدهای کارگران در شرکت دارویی بهدارو درمان همچنان ادامه دارد. به دنبال اعتراضات کارگران کارفرما مجبور شده است با جر زنی و مخدوش نمودن و بالا کشیدن بخشهایی از دستمزدهای معوق سال گذشته سرانجام و ظاهرا بطور مبهم و مخدوش طلب کارگران را تسویه نماید. اما با اینحال تا امروز دستمزدها و مبالغ اضافه کاری 3 ماهه فروردین و اردیبهشت و خرداد 160 نفر از کارگران معوق شده و عوامل کارفرما هیچ تصمیمی هم برای پرداخت 3 ماه دستمزد معوق کارگران ندارند.

علاوه بر نپرداختن دستمزدها مهربی فرد مدیر شرکت و شرکای هم باندش به کارگران اعلام داشته اند که بخاطر اینکه بتوانند از فشارهای مالی کاسته و 3 ماه دستمزد معوق کارگران را پرداخته و به روز نمایند!! بابت دستمزدهای 3 ماه تابستان را فقط مبلغ 327 هزار تومان پایه دستمزد را محاسبه و پرداخت خواهند نمود! این گستاخی و دزدی آشکار یعنی اینکه حضرات سرمایه دار، اولاً با به گرو گرفتن و نپرداختن دستمزدهای کارگران و با سو استفاده از شرایط بد اقتصادی و نابسامان زندگی میکوشند تا هر روز شرایط بسیار بدتر و استثمار وحشیانه تری را به زندگی کارگران و خانواده هایشان تحمیل نمایند. از طرف دیگر با اجرای این سیاست خود سرانه و سود جویانه ضد کارگری به مدت 3 ماه کارگران بابت اضافه کار اجباری که هر روز انجام میدهند ریالی دریافت نخواهند کرد! و از طرف دیگر هم تعداد بسیاری از کارگران که دارای سوابق کاری بالاتری هستند و این سوابق کاری در نحوه محاسبه و پرداخت دستمزدهایشان موجب افزایش ناچیزی میشود از این حق مسلم و ابتدایی خود محروم میشوند.

یکی از کارگران میگفت: دستمزدهای مربوط به سال گذشته را با هزار و یک کلاه شرعی و حقه بازی ماستمالی کردند آخرش کسی نفهمید، چطور محاسبه کردند، چقدر مساعده گرفته ایم، ساعات اضافه کاری چقدر بوده و چه شده است، آنچه مثل روز روشن است مقدار زیادی از دستمزدهایمان را همین مهربی فرد و شرکایش بالا کشیدند. حالا میخواهند با شگرد و حقه بازی جدیدشان دستمزدهایمان را تا 3 ماه کاهش دهند آخر برای چه؟ بقول خودشان تا از این محل دستمزدهای معوقمان را بپردازند؟! میخواهند طلبهایمان را با دزدی از جیب خودمان به خودمان بپردازند این دزدی و ریاکاری همیشگی سرمایه داران و حکومت اسلامیست که برای کارگران اسلامیست هزینه های زندگی را به بهانه حذف یارانه ها و این مزخرفات چندین برابر و گران کرده از جیب خودمان میدزدند تا مثلا به ما یارانه بدهند این ریاکاری و دزدی از شگردهای سرمایه داران و حکومتشان است دستشان برای همه رو شده است.

شرکت بهدارو درمان با بیش از 160 نفر کارگر قراردادی با قراردادهای یکساله سفید امضا و یکطرفه و دستمزدهای فعلا نامعلوم! پرداخت نشده و ساعت کاری از 8 صبح تا 5 عصر و اضافه کار اجباری تا شب و کار در همه ایام تعطیل تهیه و توزیع کننده انواع دارو و طرف قرارداد داروخانه ها و بیمارستانها میباشد مهربی فرد مدیر شرکت و شرکای دزدش در سایه حمایت حکومت اسلامی و از قبل استثمار وحشیانه کارگران و نپرداختن دستمزدها و همچنین با باند بازی و زد و بند با عوامل حکومتی و فروش داروهای کمیاب و گرانقیمت در بازار آزاد سودهای میلیاردی به جیب میزنند. دفتر شرکت در خیابان زرتشت تهران و انبارهای دارویی شرکت در منطقه کهریزک میباشد.

حزب اتحاد کمونیسم کارگری

۱۰ تیر ۱۳۹۰ - ۱ جولای ۲۰۱۱

حزب اتحاد کمونیسم کارگری

۱۳ تیر ۱۳۹۰ - ۴ جولای ۲۰۱۱



حزب اتحاد کمونیسم کارگری - تشکیلات خارج کشور

۱۸ تیر

به یادبود مبارزات جنبش دانشجویی و مردم علیه رژیم جنایتکار اسلامی

۱۸ تیر مصادف است با اعتراضات وسیع و گسترده دانشجویان و مردم معترض علیه جمهوری اسلامی. ۱۲ سال پیش مردم نشان دادند که جمهوری اسلامی را نمیخواهند. شش روزی بود که رژیم اسلامی را تکان داد. صدها دانشجو به همراه هزاران مردم معترض به خیابانها ریختند و تنفر خود از جمهوری اسلامی را به نمایش گذاشتند. رژیم جنایتکار مثل همیشه با سلاح و خشونت به جان تظاهرات کنندگان افتاد. بسیاری زخمی، دستگیر و کشته شدند. تعدادی از دانشجویان به شکل فجیحی در خوابگاههای دانشجویی به قتل رسیدند و از پنجره ها به بیرون پرتاب شدند.

رژیم اسلامی که از بدو استقرار خود در تکاپوی حیات بوده است فقط با سرکوب، اختناق و جنایت بر سر کار مانده است. مردم هیچگاه رژیم را قبول نداشتند و همواره در صدد سرنگونی آن بوده اند. ۱۸ تیر آغاز یکی از این روزها بود. روزی که مردم علیه رژیم برخاستند و برای آزادی، برابری و رفاه به میدان آمدند. این روز را باید بیاد داشت. باید در هر کجا هستیم این اعتراضات را ادامه دهیم و کلیت رژیم سرمایه اسلامی را سرنگون کنیم.

تشکیلات خارج کشور حزب اتحاد کمونیسم کارگری در شهرهای گوتنبرگ سوئد و تورنتو کانادا آکسیونهایی به مناسبت این روز سازمان داده است. به صف ما بیوندید و با هم شعار دهیم «مرگ بر جمهوری اسلامی»، «آزادی، برابری، حکومت کارگری»، «زنده باد سوسیالیسم».

گ - وتنبرگ

سوئد

تورنتو

کانادا

ژوئیه ۲۰۱۱

www.wupiran.net

مرگ بر جمهوری اسلامی
آزادی، برابری، حکومت کارگری
زنده باد سوسیالیسم

سرنگون باد جمهوری اسلامی! زنده باد جمهوری سوسیالیستی!